

# شکار در گیلان

## معرفی پژوهشگر

اباذر غلامی شاعر، پژوهشگر در فرهنگ بومی گیلان در سال ۱۳۳۳ ش در خانواده‌ای کشاورز در روستای خمیران بندرانزلی به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و متوسطه را در آبکنار و بندرانزلی به اتمام رساند. در سال ۱۳۵۱ ش وارد دانشکده افسری ارتش شد. لیسانس علوم اخذ کرد تا سال ۱۳۶۲ در ارتش به عنوان افسر پیاده خدمت کرد و تا درجه سروانی ارتقاء یافت. سپس منتقل شد و از سال ۱۳۶۸ وارد کار آزاد شد. در حال حاضر به ساخت قاب و دکور می‌پردازد. دارای همسر و دو فرزند است.



در رشته شعر یک جلد کتاب شعر به نام «رنج و برنج» به فارسی در سال ۱۳۸۰ و یک جلد کتاب شعر دیگر به نام «سل کول توسه‌دار» (درخت توسکای کنار برکه) به گیلکی در سال ۱۳۸۲ منتشر کرده است. در ترانه‌سرایی نیز دستی دارد. در پژوهش‌های فرهنگ بومی نیز تاکنون بازیه‌های محلی گیلان و شیوه‌های شکار در گیلان را آماده چاپ دارد و در سایر مسایل فرهنگ بومی نیز نوشته‌هایی دارد شعر و مقالاتش در نشریات محلی و سراسری به چاپ می‌رسد. وی عضو گروه گیلان‌شناسی در خانه فرهنگ گیلان می‌باشد.

## شکار بلدرچین

بلدرچین = (اوشوم) یا (بدبده) پرنده‌ای کوچک شبیه کبک است طول بدنش ۱۷ سانتیمتر است در چراگاه‌های ناهموار و کشتزارهای غلات و بین علفهای انبوه و مزارع برنج دیده می‌شود. در فصل زاد ولد کمتر می‌توان آن را از محل اختفایش وادار به پرواز کرد این پرنده در زمین‌های کم ارتفاع سراسر ایران زندگی و زاد و ولد می‌کند به خاطر آواز خاص و زیبایی‌اش در قفس هم نگهداری می‌شود. در دو دهه اخیر مزارع پرورش این پرنده در ایران به خصوص یزد و اردکان احداث شده است و گوشت و تخم آن در بازار ایران به فروش می‌رسد این پرنده به خاطر مصونیت فوق‌العاده بالایش در مقابل بیماری‌ها و نیز ارزش غذایی تخم آن که چهار برابر تخم مرغ معمولی است دارای ارزش پرورشی اقتصادی است. برای زنده‌گیری پرنده دو شیوه وجود دارد یک دستبرد به لانه و اسیر کردن جوجه‌های پرنده و نگهداری در قفس سهولت کار در این است که بلدرچین روی زمین لانه می‌سازد دو استفاده از (لار دام)

بی‌عقل گفته می‌شود.

و اما (لار دام) چوب بلندی است به ضخامت ۳ تا ۵ سانتیمتر و طول ۱/۵ متر به نام دسته در انتهای این چوب دو شاخه چوبی به ضخامت ۱/۵ تا ۳ سانتیمتر و به طول ۱/۵ تا ۲/۵ متر قرار دارد دسته و دو شاخه گاه یک تکه از شاخه یک درخت و یا یک اصله درخت می‌باشند گاه نیز دو تکه است یعنی دو شاخه به دسته میخ شده است و گاه نیز دسته و دو شاخه به خاطر سبکی از نوعی نی توخالی به نام از لوله (نی‌ازاد) و یا نوعی نی توپر که در سیاهکل بدان چایی لوله می‌گویند. چایی لوله در سال ۸۲ هر اصله ۷۰ تومان بود و یا بامبو ساخته می‌شود کل مساحت دو شاخه را توری نازک و یک تخته پوشانده است از (لار دام) برای شکار پرنده و ماهی استفاده می‌کنند در حالت استفاده برای صید ماهی نامی دیگر دارد به نام (شمشا) یا (کالو) تور (لار دام) در گذشته‌های دور از نوع کنفی و یا نخ‌ی بوده است در حال حاضر نایلونی است. دسته (لار دام) در دست‌های شکارچی قرار دارد که با فرود سریع آن روی پرنده در هوا یا زمین یا روی آب آن را شکار می‌کند.

(لار) به زبان گیلکی به معنای توخالی می‌باشد، (لار) به ناو چوبی که برای تهیه دوشاب از آن برای له کردن خرما و وحشی (اربا) نیز گفته می‌شود از (لار) برای له کردن انگور برای تهیه (خَمَس) و نیز له کردن گوجه‌فرنگی برای تهیه رب گوجه‌فرنگی هم استفاده می‌شود لار از تنه درختی تهیه می‌شود که داخل آن را خالی می‌کنند و عرض معادل ۵۰ تا ۷۰ سانتیمتر و طولی تا ۲/۵ متر دارد و به شکل مکعب مستطیل است. نوع درخت یا توسکاست یا کوچی. (لار تُورب) به ترب پوک می‌گویند. (لار کله) = به آدم

برای شکار بلدرچین داشتن سگ شکاری الزامی است. منطقه‌ای که بلدرچین در آن زندگی می‌کند به راحتی با شنیده شدن آواز پرنده نر مشخص می‌شود.

در شکار با تفنگ در مسیر خلاف جهت باد، سگ جلوتر از شکارچی زمین را بو می‌کشد به محض اینکه به نزدیکی پرنده می‌رسد می‌ایستد و دم تکان می‌دهد این تکان دم به شکارچی آماده‌باش می‌دهد. سگ به جستجو ادامه می‌دهد بلدرچین در صورت احساس خطر ابتدا پنهان می‌شود. در صورتی که خطر

جدی و واقعی باشد از لابه لای بوته‌ها در آمده و پرواز می‌کند و شلیک شکارچی آخرین پرواز زندگی‌اش را به پایان می‌رساند. در شکار بالالار (دام) نیز سگ نقش اصلی دارد. در اینجا سگ دو سه قدم جلوتر از شکارچی‌های مسلح به (لار دام) حرکت می‌کند با پریدن بلدرچین (لار دام) توسط شکارچی‌ها فرود می‌آید و او را در هوا یا زمین اسیر می‌کند و اما شیوه مخصوصی که نگارنده آن را در دهه پنجاه در روستاهای شیلسر و سیاوزان و سیاه‌خاله سر از توابع بندرانزلی در میان مزارع درو شده برنج آن روستاها دیده است در اینجا نیز کاشف و عامل فرار و پرواز پرنده سگ شکاری است ولی عامل اصلی صید نه تفنگ است و نه (لار دام) بلکه وسیله مخصوصی است به نام (چوبزه) = پره‌ی چوبی

(چوبزه) دو تکه تخته به ضخامت یک سانتیمتر و پهنای ۳ تا ۵ سانتیمتر و طول ۶۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر است این تکه چوب مثل صلیب به هم میخ شده‌اند، عملکرد این وسیله همانند بومرنگ سر خبوستان قاره آمریکا است یعنی اگر به شکل خاصی و در زوایای مشخصی پرتاب شود پس از طی مسیر به نقطه پرتاب بر می‌گردد ولی در شکار بلدرچین این خاصیت برگشت‌پذیری مدنظر نیست بلکه چهار شاخه بودن وسیله امکان اصابت به هدف متحرک را زیاده‌تر می‌کند شکارچی‌ها همراه سگ که در چند قدمی آنان حرکت می‌کند در جهت خلاف باد روی مرزهای شالیزار حرکت می‌کنند و سگ با بو کشیدن و احساس نزدیک شدن به آن دم تکان می‌دهند شکارچی‌ها که معمولاً چند نفرند آماده پرتاب پره چوبی می‌شوند به محض برخاستن برای جلب پرنده صدای نر یا ماده‌اش را تقلید می‌کنند و یا وسیله‌ای شبیه در بازار وجود دارد که صدای پرنده نر یا ماده با دمیدن آن تولید می‌شود تقلید صدای پرنده جنس مخالف را به شکارچی نزدیک می‌کند گوشت آماده طبخ بلدرچین در سال ۱۳۸۰ در بازار رشت کیلویی سه هزار تومان و تخم بلدرچین در همین سال هر عدد ۱۰۰ تومان بود.

### (کبات سو)

(سو) در گیلکی به معنی نور است (سوبری) هر نوع شکار شبانه با استفاده از نور است خواه این شکار در روی زمین باشد یا روی آب منبع نور در گذشته‌های دور چراغ پیه‌سوز بوده است. بعداً به فانوس و بعدتر به چراغ زنبوری (چراغ سوتکا) تبدیل شده است گاهی به جای چراغ زنبوری از چراغ قوه هم استفاده می‌کنند.

(کبات) یا (کفات) با اسم انگلیسی Woodcock پرنده‌های جنگلی و نسبتاً تک‌زی است با نوک دراز و رنگ سفید و سیاه و قهوه‌ای در طول روز فعال نیست و در استتار کامل صدای صفیرمانندی دارد اوایل آبان به گیلان مهاجرت می‌کند و تا اواخر اسفند می‌ماند در مناطق جنگلی کم‌پشت زندگی می‌کند و برای تغذیه شبانه به دشتهای باز هم می‌آید. طول بدنش ۳۴ سانتیمتر و گوشت خوشمزه‌ای دارد و مورد علاقه شکارچیان می‌باشد (کفات) یا (کبات) که در فارسی به آن ایبا گفته می‌شود به شیوه‌های مختلف شکار می‌شود با تله یا تفنگ و لاردام و گاه نیز با کولکوم و نما.

در شکار با تفنگ وجود سگ الزامی است چون کبات ترجیح می‌دهد در صورت احساس خطر پنهان شود. ولی حضور سگ خطر را جدی‌تر می‌کند و باعث پرواز پرنده می‌شود (کبات) پس از پرواز بلافاصله برای مخفی شدن فرود می‌آید صبحها و غروب‌ها که تحرکی زیاده‌تر دارد بهترین زمان شکار با تفنگ است.

در سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۵۲ در مسیر جاده ۱۶ کیلومتری روستای کپورچال بندرانزلی تا آبکنار بندرانزلی گروه‌های شکارچی زیادی مسلح به پنج متر پرنه می‌آمدند اینان را مؤسسه‌ای به نام ایران سفری وابسته به سازمان طب سیاحان مستقر در خزر ویلای بندرانزلی می‌آورد. اکثر قریب به اتفاق این شکارچیان مردان و زنان خارجی به خصوص آمریکایی بودند اینان غروب‌ها در کنار جاده می‌ایستادند و (کبات) را که هنگام تحرکش بود به گلوله می‌پسند بعدها از سگ هم استفاده می‌کردند و در سال‌های آخر نیز به جای سگ عده‌ای از مردان روستا را اجیر کرده بودند که با هیاهوی شان (کبات)‌ها را از مخفی‌گاهشان فراری می‌دادند. اینان در آن سال‌ها دهها هزار عدد از این پرندگان را به کام نیستی می‌کشاندند.

در سال ۱۳۸۰ نیز گویا اجازه شکار این پرنده را برای توریست‌های خارجی در منطقه ماسال و شاندرمن از توابع شهرستان فومن صادر کرده بودند و هر پرنده را به مبلغ ۱۶ دلار در صورت شکار شدن به پای شکارچی حساب می‌کردند. در همان سال زنده و مرده این پرنده در بازار ماهی‌فروشان بندرانزلی به وفور یافت می‌شد. قیمت مرده هر عدد ۱۰۰۰ تومان و قیمت زنده هر عدد ۱۲۰۰ تومان بود.

در زمستان‌ها در همه بازارهای گیلان زنده و مرده این پرنده به فروش می‌رسد.

و اما (کبات سو) ابزار کار عبارت است از یک نورافکن که به این طریق تهیه می‌شود، یک پیت حلبی ۱۷۰ کیلویی که یکی از چهار وجه بلندش بریده شده و برداشته شده باشد در دو طرف قاعده بالایی دو سوراخ ایجاد شده که محل اتصال نخ است که به گردن آویخته می‌شود پیت حلبی روی سینه و شکم فرد چراغ‌دار قرار می‌گیرد تا نیفتند در گذشته‌های دور به جای پیت حلبی جعبه چوبی یا کوزه بزرگ شکسته استفاده می‌شده است از دهه ۲۰ پیت حلبی روح پیدا کرده است. به جای فانوس نیز در گذشته پیه‌سوز استفاده می‌شد. در حال حاضر گاه چراغ زنبوری هم به جای فانوس استفاده می‌شود و گاه به جای این مجموعه چراغ قوه معمولی استفاده می‌شود. به هر حال ارزان‌ترین وسیله همان فانوس است یک نفر مسؤول حمل چراغ است به او چراغ‌دار گفته می‌شود.

وسيله ديگر نيز لاردام است که چوبی به ضخامت ۳ تا ۵ سانتیمتر و طول ۱/۵ تا ۳ متر به نام دسته که در انتهایش دو شاخه می‌شود طول هر بازو ۱/۵ تا ۲/۵ متر و ضخامت آن ۱/۵ تا ۳ سانتیمتر است. روی دو شاخه را یک تخته تور نایلونی پوشانده است و حالتی شبیه کیسه بدان می‌دهد مسؤول حمل لاردام نیز یک نفر است که به او (لاردام‌دار) می‌گویند.

زمان شکار شبهای بی‌مهتاب و بی‌ستاره و بهترین موقعیت شبهای ابری و مه‌آلود که بادی تند هم نوزد و باران ریز ریز هم

بیارد به باران ریز ریز در گیلان (خاکه باران) = باران خاکه‌ای یا پودری می‌گویند دانه‌های این باران کمی درشت‌تر از دانه‌های مه است و ساعت‌ها هم اگر بیارد به سختی لباس آدم خیس می‌شود چراغ‌دار در جلو و (لاردام‌دار) در پشت سرش برخلاف جهت باد در دشت‌ها و باغ‌ها در سکوت کامل حرکت می‌کند چراغ‌دار در پناه نور فانوس زمین جلوی او را می‌کاود و با دیدن (کبات) که در روی زمین به دنبال کرم و دانه است به لاردام‌دار علامت می‌دهد لاردام‌دار از پشت سر به کنار چراغ‌دار می‌آید کبات که با افتادن نور به چشمانش برای دقایقی گیج و مبهوت شده است. ابتدا خود را جمع می‌کند و روی زمین می‌نشیند و هیچ حرکتی نمی‌کند (لاردام‌دار) به او نزدیک شده به سرعت لاردام را رویش فرود می‌آورد در صورت پرواز نیز در هوا او را هدف قرار می‌دهد و او را اسیر می‌کند.

آقای هبت‌الله عبادی اهل روستای معاف بندرانزلی و آقای اسماعیل گلی متولد ۱۳۲۷ اهل روستای خمیران در شرح شیوه این شکار باریام کرده‌اند.

آقای عبادی خود در ایام جوانی شکارچی قابل‌ی بوده است و معمولاً تنها به شکار می‌رفته است. یعنی به تنهای حامل چراغ و لاردام بوده است ایشان تعداد (کبات) صید شده در شب‌های ایده‌آل برای شکار را حداکثر ۲۵ عدد کبات ذکر می‌کنند.

ضرب‌المثل رایج: کبات خو تُوک فرم جیگا تاواده = ابیا نوک خود را در جای نرم فرو کرده است، کنایه از فرصت‌طلبی است - حداکثر سوء‌استفاده از موقعیت به وجود آمده را می‌گویند.

زل زدن کبات به پهن گاو مثال (هاتو مرا فاندیره خیال کونی کبات گاو گویا فاندیره) = طوری به من نگاه می‌کند که خیال می‌کنی کبات به پهن گاو نگاه می‌کند، کنایه از زل زدن مستمر و طلبکارانه به کسی است. ضرب‌المثل اخیر را شاعر گیلانی جناب آقای محمد فارسی برایم نقل کرده است.

### محاصره کردن - (دورا کوندن) پرنده‌های آبی

در فصل پاییز و زمستان مرداب انزلی و آب بندان‌ها و تالاب‌ها و شالیزارها غرقابی استان گیلان مهمانخانه بزرگ و مجانی میلیون‌ها پرنده مهاجر است که برای فرار از سرمای جانسوز مناطق نزدیک به قطب شمال رنج سفری پر مشقت را بر خود هموار می‌کنند و برای زمستان‌گذرانی به گیلان می‌آیند و پس از پایان فصل سرما برای زاد و ولد به موطنشان برمی‌گردند در حالی که تعداد زیادی از یاران اولیه‌شان به دام و تیر بلا گرفتار شده‌اند و نیک درمی‌یابند که مهمانخانه هم مجانی نیست و گاه مهمانخانه‌داران بهایی معادل جان از یارانشان ستانده‌اند.

عمده‌ترین پرنده‌گان حلال گوشت آبی و کنار آبی که در فصول سرد صید می‌شوند معمولاً جثه‌ای همپای کبوتر و یا بزرگتر از آن دارند. انواع خوتکا - کشیم کوچک (ویزینگ) انواع کشیم - گیلار چنگر نوک سرخ (توسخوم) طاووسک (تورسوکله) = خروس وحشی) انواع مرغابی و انواع قو و چنگر در صدر لیست پرنده‌گان قابل صید قرار دارند و چنگر همیشه بیشترین جمعیت پرنده‌گان مهاجر درشت جثه را داراست.

چنگر پرنده‌ای است با بدنی به طول ۳۷ سانتیمتر رنگی سیاه و یک دست که در ناحیه سر و گردن پررنگ‌تر و براق‌تر است پاهای سبز و بلندش انگشتانی بلند و پره‌دار دارد وزن چنگر حدود یک کیلوگرم است مقدار چنگر سفید رنگ و نوک تیز است و خالی گوشتی و سفید رنگ بر پیشانی دارد که از مسافرت دور قابل رؤیت است. چنگر در آب‌های باز و عرصه‌ی وسیع آبی چه شور و شیرین زندگی می‌کند برای به دست آوردن غذا مکرراً غوطه می‌خورد و تا نیم دقیقه زیر آب می‌ماند در پاییز و زمستان به طور گروهی زندگی می‌کند به سختی پرواز می‌کند و هنگام فرود به سطح آب برخورد کرده و ایجاد سر و صدا می‌کند و باعث ترشح آب می‌شود در آغاز پرواز نیز همانند هواپیمای معمولی به باند پرواز نیاز دارد و مدتی پرکشان روی آب می‌رود در نزارها و میان سایر گیاهان حاشیه آب لانه می‌سازد چنگر بومی ایران است در تالاب‌ها و پشت سدها و آب‌بندانه‌های همه جای ایران دیده می‌شود.

در گیلان از پر چنگر برای تهیه بالش استفاده می‌شود و گوشت آن نیز در انواع خورشت‌ها به خصوص فسنجان استفاده می‌شود. به صورت کباب و نیز در روغن و پیازداغ پخته می‌شود (واویشکا). قیمت چنگر در زمان وفور آن در بازار رشت در سال ۸۱ هر جفت ۱۵۰۰ تومان بود و اما محاصره کردن = (دورا کوندن) یک شیوه از شیوه‌های متنوع صید پرنده‌گان آبی و کنار آبی در مرداب انزلی است.

تقریباً تمام حاشیه‌های مرداب انزلی را نزارهای مترکم و انبوه به عرض تا ۱۰۰ متر پوشانده است نی که در محل به آن (لوله) می‌گویند به ارتفاع تا ۶ متر می‌رسند و در ساخت سقف ساختمان‌های روستایی در قسمت بستر زیرکالی کاربرد دارند. برای تهیه دیوار نین استفاده می‌شود در ساختمان بستر جایگاه پرورش کرم ابریشم (تیل انبار) نیز کاربرد دارند گویا از آن می‌توان تخته فشرده (توپان) هم ساخت ولی این کار در ایران انجام نشده است. برگهای سبزی نی به عنوان علوفه دام مصرف می‌شود.

غیر از حاشیه مرداب انزلی در وسط مرداب نیز اینجا و آنجا توده‌های مترکم نی رویده‌اند که در محل بدان نمده یا بر جستگی (گوده) می‌گویند.

در شیوه شکار محاصره کردن اگر این عمل در (گوده) صورت گیرد ابتدا تمام محیط دور (گوده) تورگذاری می‌شود تورها از همین تورهای نایلونی معمولی ماهیگیری هستند که عرضی معادل ۱/۵ تا سه متر و طولی معادل ۱۵ تا ۲۰ متر دارند طرز استقرار تورها که همانند تور والیبال به پایه‌ای چوبی (دام پای) وصل می‌شوند. بدین شکل است که تورها که همانند تور والیبال به پایه‌ای چوبی (دام پای) وصل می‌شوند و لبه بالایی نیز تا یک متر از سطح آب بالاتر می‌آید و فقط یکی از تورها که معبر ورودی پرنده‌گان محسوب می‌شود لبه بالایی‌اش کمی پایین‌تر از سطح آب قرار می‌گیرد.

اگر عمل صید در نزار حاشیه مرداب صورت بگیرد دامگاه شکلی همانند مربع یا مستطیل دارد هر ضلع مربع یک یا دو تور و گاه سه تور است دامگاه مستطیلی نیز در ضلع کوچک یک یا دو تور و ضلع بزرگ ۲ تا ۳ تور دارد یک ضلع مربع یا مستطیل

که معبر ورودی پرندگان است مماس است با عرصه وسیع آبی بدون نی و سه ضلع دیگر در داخل نیزار قرار دارد تور همین ضلع مشرف به عرصه وسیع آبی یعنی معبر ورودی پرندگان تقریباً یک و جب پایین تر از سطح آب قرار دارد و تورهای سه ضلع دیگر از کف مرداب تا یک متر بالای سطح آب مستقر شده‌اند.

یک قایق و اکثراً دو قایق و سه قایق در صبح خیلی زود که گله پرندگان در سطح وسیع مرداب مشغول تغذیه‌اند بدون روشن کردن موتور قایق پاروزنان گله پرندگان را در آرامش کامل و به کندی به سمت معبر ورودی دامگاه هدایت می‌کنند فاصله قایق‌ها با گله بیشتر از ۱۰۰ متر است نزدیکی بیش از حد و نیز سر و صدا باعث پرواز پرندگان و نیز انحراف از مسیر مورد نظر می‌شود وقتی گله به دامگاه رسید و داخل نیزار مستقر و مشغول شد قایق‌ها به سرعت به سمت دامگاه می‌روند و لبه بالای توری را که زیر آب بود به بالا می‌کشند به این ترتیب دیاری از تور به شکل دایره یا مربع یا مستطیل به وجود می‌آید گاه در حرکت به سمت دامگاه موتور قایق را نیز روشن می‌کند مرغان داخل نیزار نیز به خیال اینکه پنهان شده‌اند عکس‌العملی انجام نمی‌دهند در صورت داشتن عکس‌العمل امکان پرواز و عرصه پرواز ندارند.

حال محیطی از نیزار داریم که دیوار بلندی از تور دارد از کف زمین تا یک متر بالای آب و مرغانی گرفتار در دامگاه.

چنگر که چون هواپیما برای پرواز بماند پرواز لازم دارد امیدی برای خلاصی ندارد پرندگان عمود پروازی چون گیلار مرغابی و قو نیز قادر به پرواز نیستند چون بالشان به نی‌ها اصابت می‌کند و می‌شکنند غوطه خوردن نیز باعث استخلاص نمی‌شود چون به تورهای زیر آب گیر می‌کنند صیادان با قایق به داخل محوطه محصور می‌روند و با چوبهای بلند(دام پای) و پاروهای بلند(شصت) پارویی به بلندی ۳ تا ۴ متر برای راندن قایق با تکیه بر کف مرداب) به جان مرغان گرفتار می‌افتد گاه به خاطر ضیق وقت و عجله در دسترسی به شکار با تفنگ ساچمه زنی یا چهار پاره مرغان را بیجان می‌کنند عملکرد این نوع شکار در مقایسه با سایر شیوه‌ها به مراتب زیاده‌تر است. آقای شاپور خمساز متولد ۱۳۰۹ اهل روستای خمیران بندرانزلی در تدوین

این شیوه به نگارنده کمک کرده است ایشان خود قرقی اختصاصی را از سازمان حفاظت محیط زیست دهها سال است که در فصل‌های سرد اجاره می‌کنند آقای خمساز تعریف می‌کنند که صیادان روستای کرگان بندرانزلی در مجاورت خمیران در بعضی سال‌ها در هنگام برف و بوران سخت که پرندگان برای گریز از سرما به نیزارها پناه می‌برند در هر بار صیدگاه تا ۲۰۰۰ قطعه چنگر صید می‌کرده‌اند. این نوع صید در حال حاضر در همه قرق‌های اختصاصی (چِر = چراگاه) در مرداب انزلی که توسط سازمان حفاظت از محیط زیست به چَرَداران) اجازه داده می‌شود اجرا می‌شود و فور چنگرهای تیرخورده در بازار مؤید کارایی بالای این شیوه است.

اما اگر از دیدگاه ترحم و حفظ نسل پرندگان مهاجر سازمان حفاظت از محیط زیست مطالب نگارنده را تکذیب نماید و آن را نشر اکاذیب بنامد ملالی نیست لطفاً از من به دادگستری شکایت کنند تا من با قاضی پرونده‌ام به دهها قرقگاه اختصاصی اجاره‌ای بروم و ادعایم را ثابت کنم و گرنه حبس ابد را به عنوان تخفیف در مجازاتم با آغوش باز می‌پذیرم. پای چنگر شکار شده را کودکان را نقطه اتصال ران به ساق می‌برند و با اندکی تلاش رگی را پیدا می‌کنند که با کشیدن آن تمام انگشتان پا باز می‌شود و پس از رها شدن آن رگ بسته می‌شود. این عمل باز و بسته کردن انگشتان پای چنگر در حقیقت نوعی بازی محسوب می‌شود.

از استخوان جناغ سینه چنگر به عنوان وسیله شرط‌بندی استفاده می‌کنند دو شرط‌بند با دو انگشت دو بازوی بلند جناغ را می‌گرفتند و می‌شکستند و بعد با دادن وسیله یا چیزی در مراحل بعد با گفتن مرا یاد تو را فراموش برنده شرط شناخته می‌شدند به استخوان جناغ سینه هر مرغی(شرط خاش) = استخوان شرط گفته می‌شود.

اصطلاح رایج بزه چنگر = چنگر زده شده در اصطلاح به کسی اطلاق می‌شود که مرعوب و رام طرف گوینده است وی به انجام عملی گفته می‌شود که گوینده به راحتی قادر به انجامش باشد.

مثال: فلانی می‌بزه چنگر = فلانی چنگر صید شده من است یعنی فلانی از من حرف شنوی دارد.

## طراحان گرافیک

مشاوره، تبلیغات، چاپ

مهندس احمدی آرا ۹۸۲۰ ۱۳۲ ۰۹۱۱

و مهندس امین افقی

رشت: بلوار معلم، مجتمع تجاری درفک، طبقه دوم

تلفن: ۰۱۳۱-۲۲۴۷۷۸۷

## حروفچینی و طراحی کامپیوتری علیزاده

آشنایی کامل و با بیش از ده سال سابقه

تایپ انتشاراتی

تایپ پایان نامه، کتاب، بروشور، کاتالوگ و ...

آدرس: رشت، سبزه میدان، اول استادسرا، جنب فروشگاه تعاونی

مصرف کارکنان دولت - تلفن: ۲۲۲۸۲۲۷